

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده نامدار و وطندوست افغان، جناب ولی احمد نوری! با کمال مسرت مقاله جناب عالی را که به موضوع سرنوشت ساز و حاد وطن محبوب ما تماس می گیرد، به دست آوردیم. بدین وسیله در حالی که از جناب عالی به خاطر ارسال این تحفه ارزنده اظهار سپاس می کنیم، مقدم شما را به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" گرامی داشته، آرزو مندیم که این مقاله طلایه دار همکاریهای دائمی شما با پورتال باشد.

به سلامت و سرفراز باشید!

با محبتهای فراوان

اداره پورتال AA-AA

از خوانندگان گرانقدر تمنا داریم، که خواندن تبصره پورتال را بلافاصله بعد از مقاله، فراموش نفرمایند.

ولی احمد نوری

۲ اگست ۲۰۱۰

## مفکوره تجزیه افغانستان خیانت ملی است!!!

آزادی و دیموکراسی چنانکه مخالفین آن می پندارند، یک پدیده بی قید و بند نیست. آزادی، نیاز انسان و جوامع انسانی است و زائیده عقل، و عقل استوار بر نظم، در هر جامعه مطابق به درک شرایط عینی و ذهنی و مقتضیات عصر و زمان بوسیله کسانی که مسلط بر علم جامعه شناسی، حقوق و سیاست، روابط و اصول داخلی و خارجی باشند، زیر نام قانون تدوین و از سوی نمایندگان واقعی مردم تصویب میشود که بر اساس آن اجراءات صورت گرفته و مردم در سایه استقرار نظم و آرامش به فعالیت و زندگی خویش می پردازند. هرگاه فرد یا افرادی با در نظر داشت منافع شخصی و گروهی، خلاف آن نظم عمل نماید، از سوی مراجع مسؤول متهم بوده و مورد تعقیب و تحقیق قرار گرفته، در صورت اثبات عمل خلاف منفعت اجتماع، شخص مجرم، مستوجب مجازات شناخته میشود.



متأسفانه در ظرف سی سال اخیر افراد معلوم الحالی چه بصورت فردی و چه گروهی بیخیال از ترس مجازات، دست به کودتاها زده اند، قتل و جنایت فراوان را مرتکب شده اند و زمینه را برای تجاوز آشکار و پنهان دولتهای خارجی در افغانستان فراهم نموده اند که نتیجتاً افرادی از پائین گرفته تا بالا چنان بی بند و بار و قانون گریز شدند که به سختی میشود به صداقت اخلاقی و وطن دوستی کسی اعتبار کرد،

بخصوص بعضی از نخبگان و صاحبان قدرت به امور ملی و اجتماعی طوری بی اعتناء گردیده اند که شبیه رفتار حیوانات در جنگل را میتوان نسبت به آنها ارجحیت داد، زیرا اگر حیوان زورمندی بخاطر رفع گرسنگی و ادامه حیات، حیوان ضعیف تر از خود را شکار میکند، تا گرسنه و مجبور نشود، به قطع زندگی زنده جان دیگری متصل نمیشود، اما از نه سال به این سو با موجودیت به اصطلاح قانون و ارگانهای حافظ امنیت مردم و ثبات کشور تقریباً همه در پی قدرت و ثروت اندوزی بوده و با زیر پا گذاشتن هر نوع اصول اخلاقی و انسانی یک لحظه هم آرام ننشسته اند و در این صحرای وحشت و چور و چپاول کسانی را میتوان دید که گذشته از دست زدن به رشوه ستانی، اختلاس و ظلم و ستم، حتی علی رغم تجربه امور بسیار زیانبار افراد «حزب دیموکراتیک خلق» افغانستان که سرسپردگی و مزدوری شان به دولت شوروی سابق نتایج خونباری را به همراه آورد، اینها هنوز هم در پی مزدوری به دولت های دشمن افغانستان از خوش خدمتی و نهایت تلاش در جهت بحران آفرینی و تجزیه کشور ابداء نمی ورزند.

گاه با طرح فدرالیسم، گاه رد کردن نام افغانستان و پیش کش نمودن نام «خراسان» یا «آریانا» یعنی الحاق افغانستان به ایران، و یا بجای استعمال ملیت «افغان»، «خراسانی» و «افغانستانی» بکار می برند، و تبلیغاتی را براه می اندازند که مرام و هدف نهائی آنها جز به خطر انداختن تمامیت ارضی کشور و خیانت ملی چیزی دیگر محسوب نمیشود.

صریح تر بگویم بعضی آشکارا حتی از طریق رادیو و تلویزیون اختلاف و جنگ زبانی را براه می اندازند و بین باشندگان افغانستان اختلاف قومی و نژادی را دامن میزنند و برای اجرای اینگونه امیال شوم خود جوانان تهی ذهن و پرعقده را به اعتصابها، تظاهرات و برادر کشی، تشویق، ترغیب و تجهیز میکنند. اگر درین ارتباط اغراض شوم و دست دشمنان خارجی افغانستان دخیل نباشد میتوان از طریق بحث و طرح های علمی و مسالمت آمیز و از طریق ارگانهای قانونی به حل و فصل تفاوتها و اختلافات پرداخت. اینرا باید پذیرفت که هیچ کشوری از یک قوم واحد و زبان واحد تشکیل نیافته است، لذا برای هر موضوع مورد اختلاف، میان اقوام یک کشور توصل جستن به جنگ و خشونت، نشانگر وحشت و بربریت است. در تمام کشورهای متمدن و متکی به عقل و قانونگرایی، افراد، گروهها و احزاب علی رغم اختلافات در زمینه های متعدد از جمله اقتصادی، حقوقی، سیاسی و غیره با در نظر داشت منفعت جمعی میکوشند اختلاف و مشکلات شان را از مجرای قانونی حل نمایند.

احترام گزاردن به قانون برای ادامه زندگانی مشترک و مسالمت آمیز در هر کشوری یک اصل اساسی است و اگر کسی خلاف آن رفتار میکند محکوم به جزاء است. یعنی توهین به زبان، توهین به بیرق ملی و توهین به قانون اساسی جرم است و متهم قابل تعقیب و مجازات!!!

آنانی که فکر میکنند که با سرنوشت یک ملت سلحشور و آزادیخواه بازی کنند و از طریق شایعه پراگنی برای جلب عنایت و لطف باداران خارجی خود خدمتی انجام دهند با صراحت باید گفت که سخت در اشتباه هستند. قیامهای آزادیخواهانه مردم افغانستان برضد استیلای بیگانگان، چه عرب، چه ترک و چه مغل، چه انگلیس و چه روس و غیره جوهر تاریخ این کشور را میسازد. ولی آنچه تاهنوز خاطره آن در حافظه مردمان این سرزمین زنده است، قیامهای دشمن سوز افغانها در قرون نهم و بیستم است که استعمارگران بریتانیایی و روسی را با شکست و سرفرازی تاریخی روبرو نمود و مجبور به ترک این کشور ساخت. پس بیجا نیست که گفته اند: "افغانستان گورستان امپراتوریهاست"

ساختار سیاسی افغانستان امروزی که از نیمه دوم قرن نهم، بر اثر تدبیر و تلاش مردان بزرگی مانند امیر دوست محمد خان (امیرکبیر) و امیر عبدالرحمن خان (ضیاء الملة و الدین) شکل گرفته و فرزندان این مرز و بوم با خون و جان خود از این ساختار دفاع نموده اند. حقانیت این پاسداری را میتوان در سه نبرد جانباخته با استعمار انگلیس و یک نبرد قهرمانانه ده ساله با ابرقدرت شوروی به قضاوت گرفت. فرزندان دلیر و با شهامت افغانستان در تمام این نبردها توانستند دشمنان وطن شان را به زانو در آورند و تمامیت ارضی کشور را سرفرازان نگاهدارند. اکنون نیز فرزندان صالح و اصیل همین آب و خاک قادر خواهند بود هرگونه دسایس دشمنان و اجنتان خود فروخته را نقش بر آب کنند و هر متجاوز را سرفرازان را سرفرازان این کشور بیرون رانند.

امروز یکی از میراث خوران استعمار انگلیس، سفیر سابق امریکا در هند (Robert Blake)، فکر میکنم که گرمبهای هند در فرقه تاثیر منفی کرده از تجزیه افغانستان با یک ژست ابلهانه صحبت می نماید. این آقا نمیداند که اگر یک کشور جدید از پشتونهای افغانستان و ماورای سرحد که دارای بیشتر از ۴۰ میلیون نفر از یک تبار واحد در یک خطه که در دنیا مثال ندارد، آنهم از مردمان آزاده و جنگجو بوجود آید، کدام قدرت در شمال این کشور بشمول سه کشور نو به آزادی رسیده (تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان چه خاصا که این سه کشور با اقوام شمال افغانستان زبان مشترک دارند) و از زیر یوغ شوروی، روز خود را تا شب رسانیده میتواند؟

امروز که نزدیک به ۱۵۰۰۰۰ عسکر قوای ناتوی تا دندان مسلح با مدرنترین ساز و برگ نظامی جهان از مشکل جنگ و لسوالی های مارجه و ناوه هلمند خلاصی ندارند، چطور می توانند بالای قدرت چهل میلیون پشتون

واحد دو طرف خط تحمیلی دیورند حاکمیت خود را تحمیل کنند؟؟؟ غیر مسؤولانه حرف زدن هم از خود حد دارد!!!

از مدنیتست که بین یک تعداد از افغانهائی به نام "افغان"، مفکوره نظام فیدرالیزم و در نهایت تجزیه طلبی به منظور پیاده کردن سیاست شوم بیگانگان، تب و تلاش خلق گردیده است. این اشخاص مفکوره تفرقه اندازی را در سر می پروراندند، بیخبر از آنکه خودشان در مرحله اول قربانی و مباح این خود فروشی میشوند. اگر فراموش نکرده باشند آنهائی که مفکوره افغانستان شمال و جنوب را بدستور تهی مغزان شوروی قبول کرده بودند، خودشان در زیاله دانی تاریخ فرو رفتند، نه مردم آزاده افغان!!!

من معتقدم هرگونه تلاش برای متلاشی ساختن تمامیت ارضی افغانستان، خیانت ملی است. همانطور تلاش برای تغییر نام افغان و افغانستان و ایجاد تفرقه بین باشندگان این سرزمین، که مانند همه کشورهای خرد و بزرگ جهان از اقوام و تبارهای مختلف تشکیل شده است، جنایت و خیانت ملی محسوب می شود.

در این اواخر فعالیت های منفی، تخریب کارانه و خیانت کارانه یک تعداد نوکران همسایه ها و کشورهای دور و نزدیک افغانستان، که غالباً فرزندان ناخلف خود این وطن اند، آغاز شده است. همه میدانیم که این فعالیت های خائنانه از طرف دشمنان افغانستان، دشمنان وحدت، پیشرفت و هویت افغانستان ایجاد، رهنمائی و تمویل می شود.

یکی دشمنی و اختلاف زبانی را بین باشندگان این خاک دامن میزند، دیگری اقوام برادر افغانستان را بجان یکدیگر می اندازد و سومی برای نابودی افغانستان یعنی برای تجزیه این سرزمین آبائی ما تلاش دارد و فرزندان نا آگاه و سست عنصر این خاک را برای پیاده کردن امیال کثیف شان استخدام نموده و مینمایند.

چندی پیش در سایت کابل پرس موضوع تجزیه افغانستان از سوی یکی از اجیران بیگانه مطرح شده بود و ضمن آن لاطیلاتی به خورد جوانان داده شد و در پای آن نوشته تعدادی از عناصر خود فروخته و هویت باخته، این طرح را گویا تائید کرده بودند. به دنبال همین طرح خائنانه بود که یکی از دیپلماتان متقاعد امریکائی رابرت بلیک سفیر سابق امریکا در هند باز هم طرح تجزیه افغانستان را به شمال و جنوب به حکومت امریکا پیشنهاد کرده و آنرا یگانه راه پیروزی امریکا بر جنگجویان طالب دانسته بود، که خوشبختانه از سوی افغانهای آگاه با عکس العملهای شدید و نفرت انگیز روبرو گردید. این موضع اخیراً در روزنامه معتبر انگلیسی گاردین (Guardian) نیز مطرح گردیده است و باز هم افغانهای با درک چه آنهائی که در وطن جنگ زده خویش به سر میبرند و چه آنهائی که از بد حادثه مجبور به ترک وطن شده اند، در برابر این توطئه ها خاموشی اختیار نکردند و با تنفر عمیق و با منطق قوی و بران خویش این توطئه ها را افشاء کردند. پورتال افغان جرمن افتخار دارد که در این مبارزه سهم عملی داشته و تا کنون چندین مقاله تحلیلی و سیاسی از سوی همکاران صاحب قلم خویش بدست نشر سپرده و امید است این راه را بعد از این هم تا سرحد شکست خفت آور دشمنان افغانستان ادامه بدهد.

چیز دیگری که شایان تذکر و یاد آوری است، این است که در همه کشورهای جهان یک تعداد ارزشهای ملی هستند که منحیث سمبول وحدت ملی هر کشوری احترام می شوند و احترام این سمبول ها بر باشندگان آن کشورها واجب و حتمی است. مثلاً:

- بیرق هر کشور از طرف اتباعش واجب الاحترام است؛
- قانون اساسی هر کشور که حیثیت وثیقه ملی آن را دارد بر ملت و دولت آن کشور واجب الاحترام می باشد؛
- سرود ملی هر کشور نه تنها از طرف مردم آن کشور قابل احترام است، بلکه از طرف مردمان کشورهای دیگر نیز در مواقع بخصوصی احترام می شود. مثلاً در بازی های جهانی هر گاه مسابقه ای بین تیمهای دو کشور صورت میگیرد، در آغاز و یا ختم مسابقات به نوبت سرود ملی کشورها نواخته میشود که همه به احترام آن به پا می خیزند، و از طرف تماشاچیان و بازی کنان هردو کشور احترام میشود.
- هویت ملی هر کشور برای اتباع خودش و اتباع ممالک دیگر، در مناسبات متقابل دیپلماتیک واجب الاحترام است؛
- نام هر کشور برای مردمش واجب الاحترام و در مواقع خاصی برای دیگران نیز قابل احترام میباشد.

یک مثال می آورم، در کشور فرانسه که من در آن منحیث مهاجر زندگی میکنم، میدانم که بی احترامی به بیرق فرانسه جرم است، مرتکب این جرم در قدم اول به پرداخت جزای نقدی محکوم میگردد و اگر بار دیگر تکرار نماید میله های زندان هم در انتظارش هست.

در المان بی احترامی به قانون اساسی آن کشور جرم شناخته شده و قابل تعقیب عدلی است. حتی شنیده ام که در کشور المان پولیسی بنام پولیس حراست از قانون اساسی (Verfassungsschutz) وجود دارد.

در افغانستان عزیز ما هم باید بصورت حتمی چنین قوانینی وضع گردد، تا از این گونه رفتارهای غیر مسؤولانه و بحران آفرین جلوگیری بعمل آید و از ارزشهای ملی آن، که بیرق است، قانون اساسی است، هویت ملی است

(نام افغانستان) و سرود ملی و زبان های رسمی پشتو و دری، است حراست نماید و مجرمین و متخلفین آن تعقیب عدلی شده و مجازات شوند.

بر مبنای مضمونی که به روز ۲۴/۷/۲۰۱۰ در پورتال افغان جرمن آنلاین چاپ شده است، یک عنصر بسیار ضعیف و ناچیز جامعه افغانی در یک میز مدور تلویزیون آریانا در کابل اشتراک نموده و با پر رویی و بی احترامی در برابر جهان اعلان میکند که {او «افغان» نیست و نام افغانستان را نمی پذیرد} این موضع گیری او یک آدم کوچک دیگری را در ذهنم تداعی کرد، که در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خود را کاندید نموده بود و در سخنرانی هایش با پیشروی غیر قابل وصفی در محضر مردم اعلان می کرد که او "افغان" نیست و نام "افغانستان" را نمی پذیرد!!!

جای تعجب اینست که ما ملت افغانستان، حکومت افغانستان، پولیس و قضای کشور بطرف آنها لُلق لُلق می نگریم و این سخنان سخیف، جلف، بی معنی و دور از شرافت ملی و خائنانه را که از زبان های کثیف آنها می شنویم، تحمل می کنیم !!

چرا؟؟؟ چرا این آدم ها و امثال آنها در دقایق بعد از این نوع اظهارات خائنانه، مورد تعقیب قانونی قرار نمی گیرند و تحقیق و محکوم و جریمه و حتی محبوس نمی شوند تا درسی برای همطباقان دیگرشان هم شود؟؟؟ من تعجب میکنم که اگر این جنابان از "افغانیت" خود عار دارند و نام این کشور را که صدها سال است در جغرافیه و تاریخ جهان ثبت است، نمی پذیرند، چگونه جرأت میکنند خود را برای وکالت "ولسی جرگه" و "ریاست جمهوری" این وطن کاندید کنند؟؟؟

آیا آنها فکر میکنند که مردم افغانستان و یا مردمی که آنها خود را به صفت نماینده ایشان کاندید کرده اند اینقدر نافع و مثل آنها وطنفروش و نا اهل خواهند بود که به همچو انسان های هویت باخته و خود فروخته رأی بدهند؟! مگر این که خود دشمن نام و تمامیت ارضی این خطه پاک باشند.

خلاصه آنچه در طول صدها سال تاریخ کشور بوجود آمده و در ذهن و روان نسل اندر نسل مردم ما پذیرفته شده، چطور میشود بخواست چند فرد پر عقده، تشنه قدرت و ثروت نام کشوری را تغییر داد و یا کشوری را بر اساس زبان و قومیت و محل تقسیم نمود؟؟؟ تجزیه کشوری چون افغانستان که دشمنان تاریخی و استعماری تا هنوز به آن چشم دوخته اند در گذشته از هر طرف قطعات وسیع آنرا جدا کرده و به کشور دیگری پیوند داده اند، آیا ممکن است مجموعه مردم این سرزمین باز هم به تجزیه دیگر آن تن دهند؟؟؟ تمامیت ارضی افغانستان به کشتی می ماند که با همه سر نشینانش و همه دار و ندارش در میان بحر طوفانزا قرار دارد، حفظ هر وجب کشتی برای حفظ جان و مال همه سر نشینان امر ضروری و حیاتیست. البته هر آنچه بداخل کشتی است به همه سر نشینان تعلق دارد ولی با در نظر داشت منافع همه کشتی را پارچه کردن و آنرا تقسیم کردن منطقی نیست، زیرا در آنصورت همه در آب غرق خواهند شد.

این حالت و تکرار این بی احترامی ها که از ورای رسانه های چاپی، صوتی و اینترنتی و از طرف دشمنان افغانستان جریان دارد، دیگر قابل تحمل نیست و نباید ادامه یابد. حکومت افغانستان بالاخره باید بیدار شود و وظیفه اش را که حراست از این مقدسات است اجراء کند و جلو این فجایع را بگیرد که خدای نخواستہ روزی به جنگ خونینی بین اقوام برادر افغانستان و خونریزی بزرگی در وطن ما خواهد انجامید، که همه جنگ های قبلی در سایه اش قرار خواهد گرفت، و افغانستان عزیز ما واقعاً ویران و پارچه پارچه خواهد شد.

آنهایی که جنجال، تفرقه و نفاق کنونی را بین مردم ما ایجاد میکنند و خدای ناخواسته برای تغییر نام وطن و یا "هزاران کوه سیاه در میان"، برای تجزیه کشور ما به شمال و جنوب زهر پاشی دارند، ان شاء الله به این آرزوی شوم و خیانتکارانه خود نخواهند رسید.

**باشندگان آزادیخواه، نجیب و وطنپرست این کشور**

**از وجب و جب خاک آن،**

**نام آن،**

**تمامیت ارضی و جغرافیائی آن،**

**وحدت و یکپارچگی ملت آن**

**با خون خود دفاع کرده**

**و از تمامیت یک افغانستان واحد حراست خواهند نمود.**

**و آخر، دست این خائنان را از فعالیت کوتاه نموده و باز خواهد داشت.**

توتہ سنگ و وطنم را به کریمتن ندم      خار این باغ و چمن را به واشنتن ندم

بتہ هرزه ازین خاک به جرمن ندم      به خدا جان بدم ، خاشه به لندن ندم

من که افغانم و اسلام بود آنیم

نه به روسیه غلام و نه فدای چینم

(محمد رحیم شیدا)

## یادداشت:

احترام بی حد ما به جناب "نوری صاحب" نه تنها مانع از آن نمی شود تا نکاتی را که با ایشان همعقیده نیستیم، مشخص نسازیم بلکه شناخت ما از سعه صدر ایشان بر ما حکم می دارد، تا آن نکات را برجسته تر نموده به تعمیق این بحث مهم و سرنوشت ساز پا فشاریم. از دید ما آن نکات در خطوط کلی خود قرار آتی اند:

۱- آقای "نوری" درست فرموده اند که موضوع ابتداء در "کابل پرس" به بحث گذاشته شد، مگر اینکه بحث "کابل پرس" همانی باشد که امروز آقای "نوری" آنرا ادامه می دهند، قابل تأمل است. چه در حالیکه "کابل پرس" در خطوط کلی خود موضوعی را زیر عنوان "تجزیه افغانستان و نظرات خوانندگان" به بحث گذاشت و تا جائیکه از متن مطالب منتشره در آنجا بر می آید، در کنار چند مقاله میهن دوستانه، صفحات آن سایت به آبخور تجزیه طلبان و ارگان تفرقه افگنان مبدل گردید، پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از همان ابتداء بحث را با عنوان و محتوای میهن پرستانه تغییر جهت داده، زیر عنوان "در دفاع از وحدت افغانستان" به نشر اعلامیه خود پورتال به ۵ زبان، سلسله مقاله ها و مصاحبه هائی دست یازید که همه بدون استثناء با حرکت از زوایای مختلف به یک نتیجه گیری می رسیدند که باید از وحدت و یکپارچگی میهن به مانند مردمک چشم خویش حراست نمود. سلسله مقاله ها و مصاحبه هائی که هنوز ادامه داشته و می توان بحث آقای "نوری" را نیز ادامه منطقی بحث "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" دانست، تا ادامروند کار "کابل پرس" و یا حرکت ابتکاری "افغان جرمن آنلاین". و اما اینکه جناب شان ضمن بیان سابقه بحث از پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نام نبرده اند، ما نمی خواهیم آنرا دلیل بر کم لطفی شان در قبال پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" بدانیم. هدف ما از این تذکر صرف ظرافت موضوع مورد بحث بوده و است. در همین جا لازم می اقتد از ایشان به خاطر بردن این بحث در پورتال "افغان جرمن آنلاین" و طیف دیگری از خوانندگان صمیمانه ابراز امتنان نمود.

۲- ما در آغاز افتتاح پورتال و قتی اهداف نشراتی بخش های مختلف کار خویش را مشخص می ساختیم در رابطه با اهداف بخش تاریخی پورتال آگاهانه با صراحت و وضاحت کامل ابراز داشتیم:

"- همکاری تمام مؤرخین و نویسندگان کشور را جلب نموده، از آنها صمیمانه بخواهد تا هرکسی متناسب با ذوق و توانائی های خویش، تصمیم بگیرد که در چه ساحه ای پرده های تاریک جهل و خرافات را عقب زده، گذشته های حیات مردم ما را در پرتو خورشید تابان حقیقت نگری تاریخی، به همگان بنمایاند."

در پرتو همین مشی، ما به صراحت اعلام می داریم که با دید تاریخی جناب شان در قبال دو "امیری" که از آنها نام برده اند موافق نیستیم. چه به نظر ما به علاوه آنکه نقش تمام خوانین "بارکزائی" به خصوص اولاده "سردار پاینده محمد خان" و در رأس همه "وزیر فتح خان" معروف و سایر برادرانش از جمله شخص دوست محمد خان و سلطان محمد خان را در بی ثبات سازی و اضمحلال دولت زمانشاه و تقطیع کشور برخاسته و در تطابق کامل با خواستهای دشمنان افغانستان اعم از استعمار انگلیس، روس و نوکر سر سپرده آنها سلسله قاجار و در ضدیت با منافع ملی و تمامیت ارضی افغانستان "احمد شاهی" دانسته به شدت آنرا محکوم می نمایم، اشخاصی (امیردوست محمد خان و امیر عبدالرحمان خان) را که جناب "نوری" از آنها به نیکوئی یاد نموده اند، به استناد

اوراق تاریخ به مثابه عوامل استعمار و مسبب تجزیه افغانستان دانسته، جایگاه آنها را در کنار "شاه شجاع ها، ببرک ها و کرزیها" می دانیم نه چیزی کمتر از آنها.

گذشته از آن هر دو فرد تذکار یافته، با کشتن قهرمانان جنبشهای آزادیخواهانه مردم از جمله، "امین الله خان لهوگری ها، محمد شاه خان بابکر خیل ها، ملامشک عالم ها، ملا عبدالغفور ها" و صد ها رزمنده شجاع و جانباز وطن به جرم ضدیت و مبارزه علیه استعمار انگلیس، سرکوب خونین تمام خیزش های آزادیخواهانه و حق طلبانه و رسمیت دادن به نقشه سیاسی استعمار که توأم با بریدن بخش هایی از پیکر امپراتوری "احمد شاهی" بود، در عمل در حق مردم افغانستان جنایت نموده و نسبت به مام میهن خیانت نموده اند. ما به استناد اوراق تاریخ حاضریم برای اثبات این حکم تاریخی خویش به بحث بنشینیم.

۳- خلاف سایر سایت ها و افراد، پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" و حتا متصدیان آن قبل از افتتاح پورتال با نشر مقاله ها و مصاحبه های متواتر، خط فرضی دیورند را یک میراث استعماری دانسته و همیشه براین نکته تأکید ورزیده اند که درکنار مردم آن طرف خط ایستاده و حمایت همه جانبه از خواستهای آزادیخواهانه و دموکراتیک آنها را بخشی از وظایف تخطی ناپذیر خود می دانند.

بر همین مبنا وقتی در نوشته آقای "نوری" صرف از وحدت "۴۰ میلیون پشتون" صحبت به عمل می آید ما لازم می دانیم بیفزائیم که از دید ما وحدت به آن معنائیکه ایشان مطرح نموده اند با تأسف در تطابق با آن نقشه های جغرافیائی است که استعمار چند سال قبل آنرا به نشر سپرده و می خواست بدان وسیله مخالفت مردم ما را استمزاج نماید. از آنجائیکه در آن نقشه ها، دیگر نامی از افغانستان حتا بر روی کاغذ باقی نمی ماند- شما می توانید آن نقشه را در نوشته گرانسنگ آقای داکتر میر عبدالرحیم عزیز زیر عنوان "بیدار شوید و یا فنا شوید" که به تاریخ ۲۸ جولای ۲۰۱۰ نشر گردیده از نظر بگذارانید- و در واقع تطبیق عملی نقشه تجزیه افغانستان را می رساند از دید ما سخت محکوم و غیر قابل پذیرش بوده در پیشگاه مردم خویش بار دیگر تعهد می سپاریم تا جان در بدن داریم نگذاریم چنین نقشه های شومی تحقق بیابند.

ما وقتی در صدر صفحات پورتال و هر ورق آن دوبیت "فردوسی" را آورده ایم از این گزینش، نه قصد تقنن داشته ایم و نه هم می خواستیم بر زیبایی صفحه بیفزائیم بلکه آگاهانه نوشته ایم:

**چو کشور نبا شد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد**  
**همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم**

و در این تعهد خود تا پای مرگ ایستاده ایم. دشمن شاید بتواند به اهداف خود نایل آید مگر آن وقتی خواهد بود که یک افغان در جهان زنده نباشد.

ما نمی خواهیم در اینجا خدا نخواستہ جناب "نوری صاحب" را متهم بسازیم که گویا ایشان با تذکر صرف از "۴۰ میلیون پشتون" پلان تجزیه را پذیرفته و از باقی بخش های افغانستان گذشته اند، فقط صمیمانه توجهشان را به ظرافت بحث جلب نموده خاطر نشان می سازیم که برای ما هر نوع تشبث در قبال کاستن از این یا آن بخش خاک ما به مثابه دشمنی با افغانستان و خیانت به وحدت کشور به شمار رفته از همان ابتداء محکوم است.

در همین جا بی مناسبت نخواهد بود بیفزائیم، تاریخ نشان داده است که در یک کشوری با خصوصیت "گلستان اقوام" به همان پیمان که ناسیونالیسم تنگ نظرانه و راسیسم نژاد پرستانه مانع و دشمن وحدت اقوام و ملیت های آن کشور است شونیزم عظمت طلبانه نیز دشمن وحدت و یکپارچگی آن خطه به شمار رفته وظیفه عناصر آگاه، میهن دوست و متعهد آن کشور است در تقابل با هر دو انحراف، کشتی وحدت ملی را به ساحل مقصود برساند. و اینکار زمانی می تواند متصور و مقدور باشد که در آن دیار هر نوع تبعیض قومی، مذهبی، زبانی و نژادی، از آنجائیکه به اعتقادات گذشته های طفولیت بشر تعلق دارند، به گورستان تاریخ سپرده شوند و جای آنرا روابط مساویانه در حقوق و وظایف برخوردار از آزادی های دموکراتیک در تمام زمینه ها بگیرد.

۴- از آنجائیکه در نوشته آقای "نوری" موضع گیری روشنی در قبال وضعیت فعلی کشور که در اشغال بیش از ۴۰ کشور امپریالیستی قرار داشته و به مثابه یک مستعمره مقهور در زیر چرخ های سیستم جهانی استعمار دست و پا می زند، روشن نیست به همان علت هم در دو نکته دیگر نیز نمی توانیم اختلاف آشکار خویش را با ایشان ابراز نداریم:

الف: از دید ما آنچه را با هزار نیرنگ تبلیغاتی می خواهند در افغانستان به خورد مردم بدهند و گاهی آنرا با سفیداب انتخابات ریاست جمهوری و زمانی هم با سرخاب انتخابات پارلمانی می خواهند بیاریند، هیچ نوع تغییری در ماهیت مستعمراتی رژیم کابل به وجود نیاورده، "اداره مستعمراتی کابل" را ابزاری می دانیم در خدمت استعمار و به خاطر تأمین منافع نیروهای اشغالگر. به همین اساس ما آن دولت را به رسمیت نشناخته و خلاف آقای "نوری" که تقاضا هائی را از آن می نماید، کمترین توقع و تقاضائی از آن نداشته و وظیفه خود می دانیم در حد توان به خاطر شکستن و نابودی آن زنجیر ستم استعماری تلاش بورزیم.

ب: باز هم بر مبنای همین شناخت از ماهیت دولت، هیچ نوع تصمیم آن اداره را قانونی و مشروع ندانسته، نه تنها خود را مکلف نمی دانیم تا به فیصله ها، بیرق، قوانین، سرود ملی و سایر فیصله های آن احترام بگذاریم بلکه این را حق و وظیفه خود می دانیم تا با آگاهی دادن به مردم و ماهیت مستعمراتی آنها را نشان دادن، خواستهای آزمندانه استعمار و خاینانه ایادی اش را که سلب هویت ملی مردم ما و استحاله آن به یک هویت استعمار زده است، به گور بسپاریم.

با تشکر مجدد از جناب "نوری صاحب" به خاطر ارسال مطلب ارسالی شان و به امید همکاری های دوامدار شان، به این اشاره های مختصر پایان می دهیم. مسلم است که "نوری صاحب" نیز به مانند تمام همکاران قلمی ما می توانند، از صفحات پورتال به منظور نشر افکار شان استفاده نمایند.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA